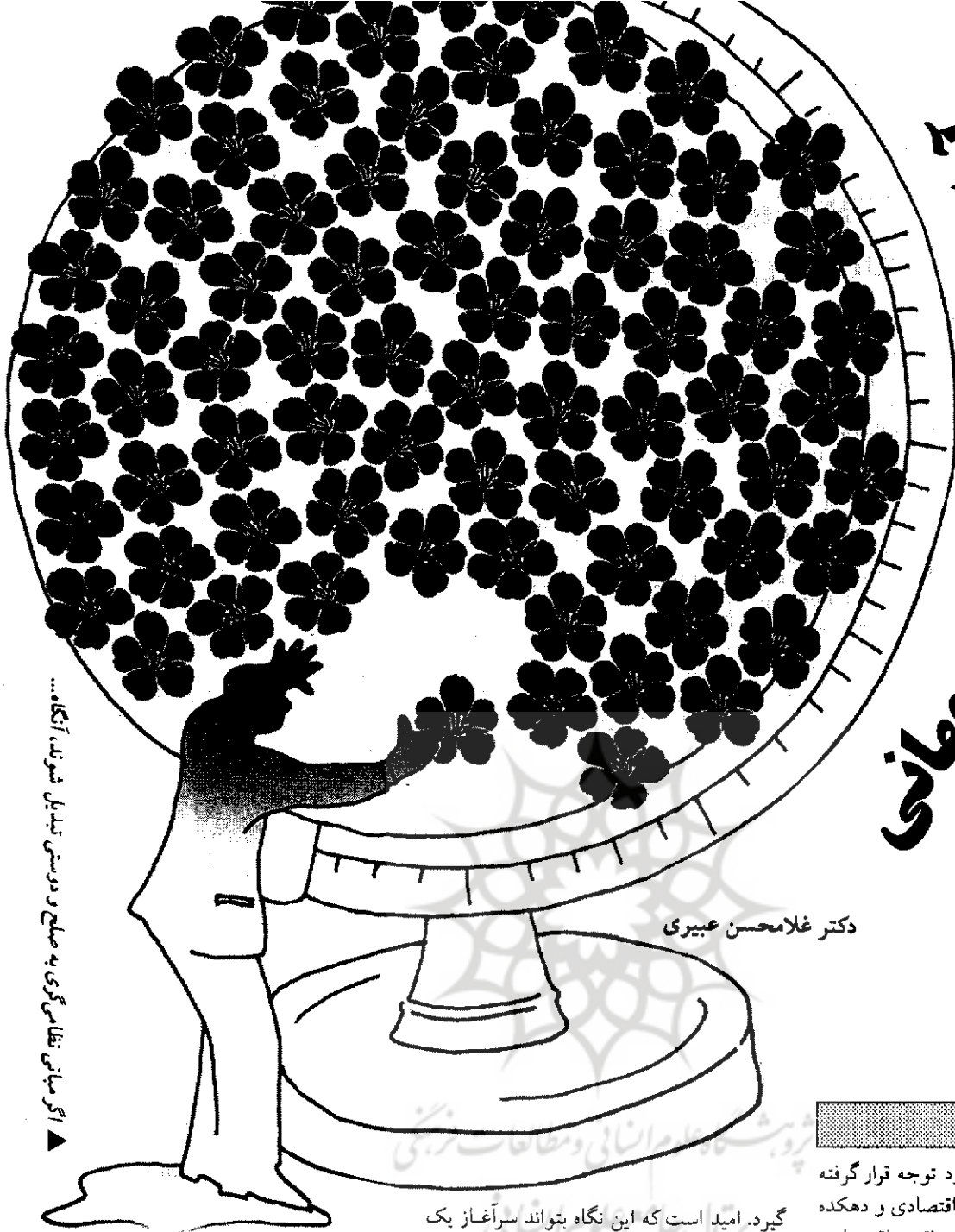


# آزادسازی در دهکده جهانی



دکتر غلامحسین عبیری

اگر میبانی نظامی گری به صلح و دوستی تبدیل شوند، آنگاه...

## مقدمه

آنچه در اصول نظری مورد توجه قرار گرفته است، موفقیت‌های آزادسازی اقتصادی و دهکده جهانی است. در این راستا موفقیت اقتصادی جمهوری چین می‌تواند به صورت یک مدل در کشورهای در حال توسعه مورد استفاده قرار گیرد. همین امر در کشور هندوستان نیز توجه دولتمردان را به تربیت مدیران حرفه‌ای جلب کرده است. از سوی دیگر، Cracknell (۱۹۹۶) به اهمیت تعاونی‌ها در چارچوب دهکده جهانی و آزادسازی پرداخته است.

اما تأثیر آزادسازی و دهکده جهانی بر فقر هنوز بحث‌برانگیز باقی مانده و مطالعه بیشتر در این موضوع را ضروری می‌سازد.

در این مقاله سعی خواهد شد تا آنجا که ممکن است، به اختصار پدیده آزادسازی و اهمیت آن در دهکده جهانی مورد بررسی قرار

گیرد. امید است که این نگاه بتواند سرآغاز یک بررسی عمیق سمینارگونه برای شناخت جایگاه اقتصاد ایران و آینده ایران در دهکده جهانی باشد.\*

## نگاه به آزادسازی

معمای اصلی مباحث نظری نویسنده درخصوص آزادسازی، تصویر نامناسبی است که از آزادسازی در اذهان بوجود آمده و در غالب موارد چهره آزادسازی تجاری به صورت موضوع اصلی در فرآیند توسعه اقتصادی توجه را به خود جلب کرده است و آزادسازی تجاری کشاورزی و مسأله امنیت غذایی به صورت یک گره کور درآمده و بخش قابل توجهی از فعالیت‌های

توسعه روستایی را متوقف ساخته است. همین نگرانی در بخش توسعه صنایع نیز وجود دارد مبنی بر این که آزادسازی تجاری می‌تواند صنایع موجود در کشورهای درحال توسعه را به رکود سوق دهد، و اگر سایر بخش‌ها را نیز بررسی کنیم، ممکن است مزیت‌های نسبی رقابتی قابل توجهی در هیچ بخشی از ساختار اقتصادی وجود نداشته باشد. بر این اساس، نمی‌توان نتیجه گرفت که آزادسازی تجاری ما را

\* بدینوسیله از همکاری مسرولان کتابخانه دانشگاه Chapman در ایالت کالیفرنیا - آمریکا که اجازه استفاده از منابع را به نویسنده داده‌اند، کمال تشکر را دارم.

به بحران و بن بست می کشاند، زیرا از قبل این پدیده نگران کننده وجود دارد که کشورهای در حال توسعه در شرایط سقوط قرار دارند و این خود ناشی از نگاه و برداشت غلط از مسأله آزادسازی است که افکار سیاستگذاران را به خود مشغول کرده است.

نویسنده به شدت بر این باور است که آزادسازی تجاری منوط به پذیرش اصول آزادسازی در تمامی ابعاد جامعه است و بدون آزادسازی سیاسی و آزادسازی فرهنگی، امکان موفقیت برای آزادسازی اقتصادی وجود ندارد و لازمه آزادسازی سیاسی و فرهنگی نیز پذیرش دهکده جهانی است.

بنابراین، طبیعی است که با برداشتی که از واژه Liberalization یا آزادسازی وجود دارد، نمی توان انتظار معجزه برای حل بحران فقر، نابرابری و رشد اقتصادی را در سطح جهانی انتظار داشت. همین موضوع اهمیت نگاه Staiger (۱۹۹۴) را به تئوری آزادسازی تجاری گام به گام (Gradual Trade Liberalization) نشان می دهد. قابل توجه آنکه Cronbach (۱۹۶۳) از زاویه دید روانشناسی تئوری اعتماد (Reliability Theory) را نیز در فضای آزادسازی مورد مطالعه کمی قرار می دهد. لذا می توان نتیجه گرفت که آزادسازی در اصول روانسنجی (Psychometric) از دیرباز مطرح شده، اما نظام های بسته در جهان سوم هیچگاه نتوانسته اند به اهمیت لاموکراسی و آزادی برای اعتلای رفتارهای اجتماعی پی ببرند، لذا همواره از اسطوره کنترل، جبر و بوروکراسی برای حفظ یکپارچگی ظاهری جامعه بهره گیری کرده اند.

این برداشت واقعاً انحرافی نه تنها به حجم محدودیت ها افزوده، بلکه فرصت های بارورسازی عوامل تولید در جامعه را نیز از بین برده است. تئوری تجاری ساموئلسون - استولپر (Stolper - Samuelson Trade Theory) آزادسازی تجاری را در جوامع پیشرفته اقتصادی به نفع نیروی کار می داند و آثار منفی آزادسازی را بر تجارت و سرمایه نشان می دهد. اما همانطور که در تئوری تجارت بین الملل به غلط به این باور می رسیم که جوامع به صادرات کالاهایی دست می زنند که در آن از مزیت نسبی برخوردار هستند، در عمل مشاهده می کنیم که آمریکا برخلاف انتظار که می بایست صادر کننده کالای سرمایه بر باشد، کالاهای کاذب صادر می کند؛ آیا بنیادین ترتیب امکان برداشت نامناسب از نظریه های اقتصادی وجود ندارد؟

بنابراین، توصیه نویسنده بر اهمیت اصول نظری به قوت خود باقی است و معتقد است که آزادسازی را باید در یک تصویر بزرگتر مورد ارزیابی قرار داد.

### دهکده جهانی

پدیده دهکده جهانی در شرایط دانش فنی موجود یک الزام اجتماعی است. امروز شما می توانید به دور از زادگاه خود زندگی کنید و در عین حال اثبات کنید که در جامعه حضور داشته اید، و عکس آن نیز طبیعتاً صادق است. بنابراین، زمان و مکان در نظریه ها و مدل های اقتصادی اهمیت ویژه ای یافته اند. دسترسی به شبکه های اطلاع رسانی، نگاه های ماهواره ای به رفتار کلان جوامع، قدرت های تسلیحاتی و دستیابی به مازاد اقتصادی، این پرسش را پیش

### ○ آزادسازی تجاری منوط به پذیرش اصول آزادسازی در تمامی ابعاد جامعه است و بدون آزادسازی سیاسی و فرهنگی، امکان موفقیت برای آزادسازی اقتصادی وجود نخواهد داشت

روی ما قرار می دهد که در شرایط رقابتی چگونه می بایست دوام و بقای اقتصاد محیط زیست را مورد توجه قرار داد که معمای «فقر، آزادی و عدالت» حل شود؟

انستیتو مطالعات و تحقیقات توسعه دهکده جهانی در دانشگاه Sussex این نظریه را مطرح می سازد که مردم از پدیده دهکده جهانی منافع زیادی برده اند، اما روشن است که بر میزان نابرابری بین کشورها و در درون کشورها افزوده شده است. اگر پدیده شکاف بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی را در پنجاه سال گذشته - حتی زمانی که دانش فنی پدیده دهکده جهانی را پیش روی ما قرار نداده بود - بررسی کنیم، ملاحظه می کنیم که همواره این شکاف رو به افزایش بوده است. طبیعت این پدیده مانند تورم است که همواره در جوامع فقیر و غنی در حال افزایش بوده است. پدیده توسعه نیز برخی از جوامع را با بحران روبرو ساخته است.

عامل نگران کننده و انحرافی همانا استفاده نامطلوب از دانش فنی است و آثار شوم این کج رفتاری به دفعات در تاریخ به ثبت رسیده

است. جنگ ها، انفجارها، تهاجم ها، غارت ها، همه بخش کوچکی از این ناملازمات را نشان می دهند. طبیعتاً این سوء استفاده ها ناشی از مدیریت غلطی است که نتوانسته پیوندهای مطلوبی را با اقتصاد، سیاست و دانش فنی برقرار سازد و از نظر فلسفی هم زیربنای قابل قبولی نداشته است.

مهاجرت های یک سویه، اهداف غیراقتصادی سرمایه گذاری های بین المللی و حمایت های غیرمنطقی از جمله سیاست های غلطی هستند که پیوندهای فوق را ناپایدار می سازند.

تعاریف مختلفی که از موضوع دهکده جهانی ارایه می شود، عمدتاً به صورت زیر قابل طبقه بندی است:

الف) دهکده جهانی عامل افزایش حجم تجارت و به حرکت درآوردن سرمایه خارج از مرزهای کشور است.

ب) دهکده جهانی باعث روند حرکت پول، صنایع و محصولات شرکت ها در کشورهای مختلف است.

پ) دهکده جهانی عامل روند افزایش ارتباطات بین کشورها از طریق بازارها است.

ت) دهکده جهانی روند همبستگی بین مردم سراسر گیتی را تقویت می کند.

ملاحظه می شود که در همه صور مختلف موضوع کاهش انحصار مورد توجه مستقیم قرار نگرفته و همواره این سؤال بدون پاسخ باقی مانده که چه کسانی از دهکده جهانی سود برده و چه کسانی متضرر می شوند؟

Fukuyama بحث جدیدی را پیش روی ما می گذارد مبنی بر این که دهکده جهانی به همگنی فرهنگ ها و ارزش های فرهنگی از جهات مختلف کمک خواهد کرد، اما مکانیسم انجام این پدیده هنوز قابل بررسی می باشد.

### معمای فقر

با وجود تمامی این تفاسیر، معمای «فقر، نابرابری و عدالت» همچنان به قوت خود باقی مانده و علیرغم نگاه تیزبینانه متفکران علوم انسانی نسبت به ایجاد تفاهم بیشتر و تقویت بازارها و برداشتن موانع، هنوز اساس و ساختار این تغییرات بدون پاسخ باقی مانده است. شکی نیست که ریشه های انحصار در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جلوی فعالیت های اقتصادی، فرهنگی و بینشی را سد

مشاهده است، گرچه بستر اصلی این بینش چندان رضایت‌بخش نبوده و می‌بایست زمینه آزادسازی را در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با هدف ایجاد رقابت و حذف انحصار به تمام جوامع منتقل کرد.

به عبارت ساده‌تر، دهکده جهانی باید به گونه‌ای آزادتر به فرهنگ و اقتصاد جوامع نزدیک شود و همگنی فرهنگی در جهت ارتقای رفتار مردم و همگنی اقتصادی در جهت بهبود سطح کارایی ملت‌ها مورد حمایت قرار گیرد. بدیهی است که این مهم زمانی میسر خواهد بود که طبیعت سلطه‌جویی در دهکده جهانی وجود خارجی نداشته باشد و آهنگ عدالت و برابری بر سراسر جهان هستی گسترده شود. در این شرایط، آثار منفی دهکده جهانی بر ساختار اقتصادی غلبه نخواهد کرد. و حذف محدودیت‌های مختلف تجاری، سرمایه‌گذاری، مهاجرت و انتقال دانش فنی یا توجه به سطوح عرضه و تقاضا در جوامع، روند رشد اقتصاد جهانی را تسریع خواهد کرد.

آزادسازی دهکده جهانی در واقع پرهیز از هرگونه گسترش انحصارطلبی است که با طبیعت آزادسازی ناسازگار است. آنگاه که مردم دنیا با صلح و محبت به یکدیگر نگاه کنند و منافع دیگران را منافع خود بدانند، در آن صورت، انتظار بهبود ساختار اجتماعی - اقتصادی و مقابله با فقر و بیکاری منطقی خواهد بود.

اما امروز دهکده جهانی به بازار سرمایه‌های سرگردان چشم دوخته و هدف خود را نیروی کار ارزان در کشورهای درحال توسعه قرار داده است، در حالی که آزادسازی نگاه منطقی‌تری به دستمزدها دارد. ممکن است در این جا در ظاهر بحث عرضه و تقاضای نیروی کار مطرح شود، اما اگر جایجایی نیروی کار هم به میزان حرکت سرمایه ارزشمند دیده شود، آنگاه تعادل عمومی، قیمت‌ها و ارزش‌های عوامل تولید را به یکدیگر نزدیک خواهد کرد.

باید پذیریم که صرف تحقق دهکده جهانی با حمایت از شرکت‌های فراملیتی و انحصارطلب، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت به صورتی مشکل‌زا عمل نکند، اما به مرور زمان بحران نیروی انسانی و فقر، امنیت سرمایه‌ها را به خطر خواهد انداخت. از اینرو، توصیه می‌شود که ریشه‌های انحصار از دهکده جهانی قطع شود و حمایت از بازار سرمایه و بازار کالا و خدمات به عنوان هدف مورد توجه قرار نگیرد، زیرا بازار نیروی کار در نهایت عامل تثبیت سایر بازارها

بنابراین، ملاحظه می‌نمایید که بینش Fukuyama برای همگن ساختن فرهنگ جوامع به سهولت عوامل استارازا از رفتار جوامع فقیر دور نخواهد ساخت و چه بسا بر فعالیت و پشتکار مردم در کشورهای صنعتی تأثیر منفی گذاشته، کارایی و اثربخشی آنها را کاهش دهد.

امروز گسترش روابط تجاری بین جوامع باعث شده است که برخی از الگوهای مصرف نامطلوب مانند استفاده از مواد مخدر، فساد و ارتشا همگانی شود و در کلیه جوامع نمونه‌های آنها را شاهد هستیم. لذا باید توجه داشت که فرصت‌طلبی برخی از کارگزاران می‌تواند در گسترش نمادهای منفی در جوامع نقش مؤثری داشته باشد و باید برای این رفتارهای نامطلوب،

**○ در دهکده جهانی باید همگنی فرهنگی در جهت ارتقای رفتار مردم و همگنی اقتصادی در جهت بهبود سطح کارایی ملت‌ها مورد حمایت قرار گیرد و این امر زمانی عملی خواهد شد که در دهکده جهانی اثری از سلطه‌جویی نباشد و آهنگ عدالت و برابری بر سراسر جهان گسترده شود**

الگوهای جایگزینی مناسبی را پیشنهاد کرد.

### آزادسازی دهکده جهانی

اگر آزادسازی را به معنی برداشتن مقررات دولتی از بازارها بگیریم، به‌طور طبیعی بازار آزاد، جامعه آزاد را نیز به دنبال خواهد داشت و در نهایت اقتصاد سیاسی به جای حفظ منافع برخی از طبقات، به منافع عموم مردم خواهد پرداخت. در این شرایط، برداشتن مرزهای جغرافیایی و تأثیر اقتصاد بین‌الملل بر حفظ منابع کمیاب و محیط زیست از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

امروز در عمل آزادسازی رنگ تجاری به خود گرفته و دهکده جهانی به عنوان تسلیم بدون قید و شرط کشورهای فقیر در برابر سطوح تکنولوژی غیررقابتی شناخته شده است. اما در همین حال و در یک نگاه خوش‌بینانه‌تر، آثار مثبتی از آزادسازی و دهکده جهانی در هند، چین، کره جنوبی، مالزی و چند کشور دیگر قابل

کرده است و مکانیسم فروپاشی این انحصارطلبی‌ها ناشناخته است. آیا دهکده جهانی می‌خواهد ابعاد این انحصارطلبی‌ها را گسترش داده، تمامی عرصه‌های بین‌المللی را تحت سلطه خود درآورد؟ در این صورت، توزیع درآمدهای حاصله چگونه شکاف بین کشورهای فقیر و غنی را کاهش خواهد داد؟

در این حوزه باید دید که علت فقر چیست؟ آیا علت این امر در ساختار صرف اقتصادی محدود می‌شود، یا دامنه آن مرزهای اقتصاد سیاسی را هم دربر می‌گیرد. در گذشته‌های نه‌چندان دور این باور وجود داشت که آموزش عمومی و تحقیقات می‌تواند فقر را در سطح جامعه کاهش دهد، اما در عمل مشاهده می‌شود که این پدیده تحقق نیافت، زیرا افزایش سطح فرهنگ عمومی در عمل اشتغال‌زا نبود.

افزایش سطح جمعیت در کشورهای در حال توسعه هنوز عامل مهمی در افزایش سطح فقر بشمار می‌رود و دولت‌ها هنوز قادر به استفاده مطلوب از توان نیروی کار جامعه نیستند. واقعیت این است که پدیده فقر یک موضوع چندبُعدی است که علوم مختلف اجتماعی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. قانع بودن یک الگوی رفتار اجتماعی است که جلوی افزایش فعالیت‌های اجتماعی را می‌گیرد و حوزه مطالعات مربوط به آن، جامعه‌شناسی و روانشناسی و مردم‌شناسی را شامل می‌شود. این پدیده فرهنگی از جمله ساده‌ترین و مؤثرترین عواملی است که الگوی مصرف جامعه را در کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر قرار می‌دهد: از آن جهت ساده است که فضای رفتاری مردم را احاطه کرده است و به این جهت مؤثر است که مشاهده می‌کنیم این جوامع با پدیده بیکاری از دیرباز روبرو بوده‌اند.

دامنه تأثیرات منفی این رفتار اجتماعی در بخش روستایی کاملاً توسعه نیافتگی اقتصاد روستایی را توجیه می‌کند، درحالی که در بخش شهری این پدیده سرعت تغییر کرده و با وجود اینکه آثار آن هنوز هم وجود دارد، اما الگوهای تظاهراتی (Demonstration) به شدت اصل قانع بودن را زیر سؤال برده است.

پدیده کناره‌گیری از دیگر عوامل رفتار سازایی است که خود بخود رابطه انسان و سازمان را از حالت پویایی خارج ساخته و نیروی کار را در تابع تولید تضعیف می‌کند. این متغیرها در درازمدت الگوی درآمد را کاهش داده، فقر را به محیط خانواده تحمیل می‌کنند.

است.

با قدری تأمل نسبت به رویدادهای دو دهه اخیر ملاحظه می‌کنید که شکاف طبقاتی در کشورهای درحال توسعه بیشتر شده است و خصوصی سازی به عنوان حمایت از برخی طبقات اجتماعی، عملاً امنیت کل جامعه را با خطر روبرو کرده است. در این شرایط، چگونه می‌توانیم نسبت به مسأله آزادسازی در دهکده جهانی بی تفاوت باشیم؟ جوامعی که امروز افتخارشان در حمایت از حقوق بشر و آزادی و

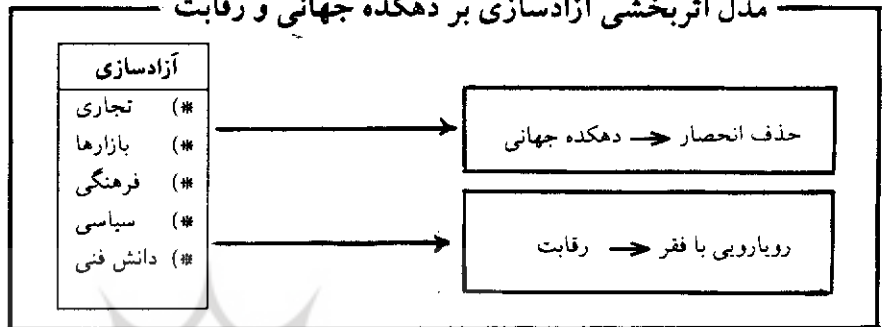
الف) دهکده جهانی باید با انحصارطلبی‌ها مقابله کند.

ب) رقابت اقتصادی از طریق افزایش کارایی، باید فقر را مهار سازد.

پ) آزادسازی باید به عنوان عامل اصلی در جهت هدایت دهکده جهانی و رقابت عمل کند. به این ترتیب، می‌توان مدل اثربخشی آزادسازی بر دهکده جهانی و رقابت را به صورت شکل شماره یک ارائه کرد:

شکل شماره یک

مدل اثربخشی آزادسازی بر دهکده جهانی و رقابت



آزادسازی فرهنگی به تدریج انعطاف بیشتری خواهد یافت و مبنای آن بر استفاده بهتر از منابع و حفظ محیط زیست برای جامعه بشری استوار خواهد ساخت. لازم به یادآوری است که عدم موفقیت در از میان بردن فقر، طی چند دهه گذشته تنها در برخورد اقتصاد با نیروی کار خلاصه نمی‌شود، بلکه این عوامل فرهنگی هستند که در جای خود روند موفقیت سیاست‌های اقتصادی را به خطر می‌اندازند.

طبیعی است که ساختار موجود جهانی بر مبنای نظامیگری استوار شده، لذا حذف قدرت طلبی‌ها و انحصارات چندان ساده نیست، اما اگر مبنای نظامی‌گری به صلح و دوستی تبدیل شوند، آنگاه آزادسازی به سهولت خواهد توانست رویه‌های کاربردی مؤثری را تدارک ببیند. برای مثال، هزینه‌های نظامی‌گری می‌تواند در جهت رشد اقتصادی مصرف شود و از آنجا که در برخی از جوامع این هزینه‌ها درصد بالایی از تولید ملی را شامل می‌شود، لذا هرگونه بازنگری در ابعاد نظامی‌گری می‌تواند زمینه تثبیت امنیت اقتصادی را فراهم نماید.

حال، اگر بخواهیم مدل فوق را در اندازه‌های جهانی مطرح کنیم، می‌توانیم متغیرهای مربوط را در یک مدل کمی مورد مطالعه قرار دهیم. رابطه بین متغیرها به صورت شکل شماره دو قابل ارائه می‌باشد. بدیهی است که آزمون این روابط به صورت کمی روی کشورهای در حال توسعه می‌تواند از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد.

در این مدل ملاحظه می‌شود که آزادسازی با اهرم‌های اقتصادی (تجارت آزاد و بازار آزاد)، اجتماعی (همگنی ارزش‌های فرهنگی) و سیاسی (فعال کردن احزاب و تقویت بینش سیاسی مردم) می‌تواند جلوی بحران توسعه‌نیافتگی را بگیرد. دانش فنی هم به عنوان یک عامل زیربنایی، احزاب سیاسی و رویه‌های فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مجموعه

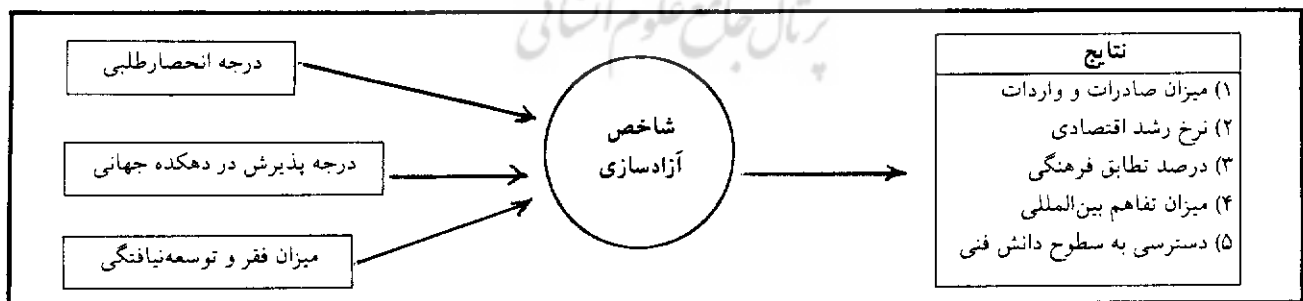
دموکراسی خلاصه می‌شود، نگذارند دانش فنی پیشرفته‌ای که در حقیقت عامل برابری قیمت عوامل تولید است، به عامل تخریب ارتباطات اجتماعی تبدیل شود.

مدل پیشنهادی

اگرچه همواره بزرگان علم اقتصاد نگران روش‌های اجرایی نظریه‌های اقتصادی هستند و

شکل شماره دو

مدل کمی متغیرهای مربوط به آثار آزادسازی بر ساختار اجتماعی - اقتصادی



توضیح اینکه با استفاده از مدل فوق‌الذکر می‌توان وضعیت جوامع مختلف را نسبت به یکدیگر ارزیابی کرد و نتایج مثبت و منفی هر یک از متغیرها را بر روی روند جهانی شدن اقتصاد مورد سنجش قرار داد.

با حذف محدودیت‌های بازار، زمینه تجارت و دادوستد را در سطح جهانی گسترش می‌دهد. اما موانع اصلی بر سر راه این‌گونه جهت‌گیری‌ها در سطح جهانی، همانا بینش و حس خودخواهی و سلطه‌طلبی است که البته با

نسبت به اجرای ایده‌آل‌ها با شک و تردید نگاه می‌کنند. اما باید بپذیریم که روند توسعه مدل‌ها به تدریج مسیر کاربردها را تسهیل خواهد کرد. بر این مبنای، می‌توان روابط بین متغیرهای مورد بحث در فوق را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد: